فهرست

[ادامه دلیل هفتم: آیه لفروجهم حافظون 2](#_Toc91418084)

[بحث دوم: معنای فروجهم 2](#_Toc91418085)

[پنج احتمال در معنای آیه 3](#_Toc91418086)

[معنای آیه طبق قواعد اصولی 4](#_Toc91418087)

[اشکال اول: وجود روایت مفسره 5](#_Toc91418088)

[جواب اشکال: 5](#_Toc91418089)

بسم‌الله الرحمن الرحیم

# موضوع: فقه / نکاح

# ادامه دلیل هفتم: آیه لفروجهم حافظون

در قاعده حرمت نظر با قصد التذاذ به ادله‌ای استدلال شده است که برخی از آنها را مرور کردیم. یکی از آیات شریفه که می‌توانست به آن استدلال شود استدراک شد و موردبحث قرار گرفت. آیه شریفه آیه‌ای است که عیناً در دو جای قرآن آمده است. سوره مؤمنون آیه 7 و سوره معارج آیه 14:

**﴿وَ الَّذينَ هُمْ لِفُرُوجِهِمْ حافِظُونَ‏، إِلاَّ عَلى‏ أَزْواجِهِمْ أَوْ ما مَلَكَتْ أَيْمانُهُمْ فَإِنَّهُمْ غَيْرُ مَلُومينَ‏ فَمَنِ ابْتَغى‏ وَراءَ ذلِكَ فَأُولئِكَ هُمُ العادُونَ﴾**‏[[1]](#footnote-1)

تمسک به فمن ابتغی وراء ذلک شده بود و تطبیق داده شده بود بر مطلق التذاذ یا قصد التذاذ به امور جنسی ازجمله در نگاه. در آیه یک بحث انجام شد پیرامون دلالت آیه بر تحریم که از آن گذشتیم.

## بحث دوم: معنای فروجهم

بحث دوم که اساسی است و مربوط می‌شود به دلالت آیه به موردبحث ما و التذاذ در افعالی که از انسان صادر می‌شود در جلسه قبل طرح شد. سؤال این است که **﴿والذین هم لفروجهم حافظون﴾** چه معنایی دارد؟ آیا مربوط به نظر و مواقعه است یا چیزهای دیگری است؟ تعیین احتمال در صدر آیه تعیین کننده مفهوم ذیل آیه است. چون ذیل می‌فرماید **﴿فمن ابتغی وراء ذلک﴾** مترتب بر قبل است. باید ببینیم صدر چه مفهومی را افاده می‌کند تا ذیل مشخص شود. تعیین این بحث هم متوقف بر این است که **﴿والذین هم لفروجهم حافظون﴾** معلوم شود اولاً فروج مقصود خود عورت است یا کنایه از غریزه جنسی است. این سؤال تعیین کننده است.

 یک‌بار است که میگوییم این آیه می‌فرماید عورت را بما هی عورت باید محفوظ نگه داشت **﴿الا علی ازواجهم او ما ملکت ایمانهم﴾**. احتمال دیگر اینکه فروج منظور غریزه جنسی است. پس فروج یا حمل بر ظاهر خود می‌شود که عورت است یا کنایه از غریزه جنسی است. این خیلی در معنای آیه مؤثر است. بنا بر احتمال اول می‌گوید ویژگی مؤمنین است که عوراتشان را حفظ می‌کنند الا علی ازواجهم حال از چه حفظ می‌کنند بحث بعدی است. احتمال دوم هم می‌گوید التذاذ و شهوت و نیروی جنسی خود را صیانت می‌کنند. بنا بر احتمال اول می‌گوید عورات را از دید دیگران یا التذاذ دیگران صیانت می‌کنند مصون نگه می‌دارند اما دایره محدود به همین می‌شود. عوراتشان را از اموری که با آن ارتباط برقرار می‌کند مصون می‌کنند. بنا بر احتمال دوم می‌گوید غریزه جنسی خود را حفظ می‌کند و فروج کنایه از قوه جنسی است. بنا بر احتمال اول من ابتغی وراء ذلک مترتب می‌شود بر حفظ عورات. عورات را مگر بر ازواج و ملک ایمان حفظ می‌کند و کسی که وراء این را دنبال کند یعنی عورت را در معرض دید یا لذت دیگری قرار دهد این کار اشتباهی است. این یک معنای ابتغی وراء ذلک بنا بر احتمال او محدود به همین قسم می‌شود. ربطی به بحث ما هم ندارد. می‌گوید مؤمنان کسانی هستند که عوراتشان را از دید یا لذت التذاذات جنسی دیگران مصون می‌دارند و کسی هم که از محدوده ازواج و ملک ایمان عبور کند اشتباه کرده است. یعنی عورتش را در معرض زنا یا دید دیگران قرار دهد. اما اگر فروجهم یعنی غریزه شهوانی، این‌طور می‌شود که آنان که غریزه جنسی خود را صیانت می‌کند مگر از ازواج و ملک ایمان و اگر کسی غریزه را در جای دیگری اعمال کرد و التذاذش را جای دیگری برد در این صورت با بحث ما ارتباط برقرار می‌کند.

پس اگر فروجهم مقصود همین عورات باشد خیلی به بحث ما ربط ندارد. زیرا آیه می‌گوید مؤمن کسی است که عورتش را از دید یا مواقعه دیگران صیانت می‌کند و اگر کسی از ازواج و ایمان عبور کرد اشتباه کرده و گناهکار است. اما اگر فروج کنایه از غریزه جنسی باشد آیه معنایش این است که مؤمن کسی است که غریزه جنسی را صیانت می‌کند جز در ازواج و ایمان و اگر کسی غریزه جنسی را از این محدوده بیرون برد یعنی قوای شهوانی را در غیر جایی که خدا تعیین کرده به کار می‌گیرد و این شامل قصد التذاذ و التذاذ هم می‌شود. این دو احتمال است که تعیین کننده ارتباط آیه با بحث ماست. اگر احتمال اول را بپذیریم که فروج همان معنای اصلی خود را دارد آیه مرتبط با بحث ما نیست اما اگر منظور از فروج غریزه جنسی باشد آیه مرتبط با بحث ما می‌شود زیرا آیه می‌گوید اعمال غریزه جنسی نمی‌کنند مگر درجایی که خدا اجازه داده و اعمال آن غریزه در ورای آن به هر شکلی باشد **﴿اولئک هم العادون﴾**. اما بنا بر احتمال اول خیلی ربط ندارد؛ زیرا خدا می‌فرماید عوراتش را مؤمن حفظ می‌کند یا از نگاه یا التذاذات شهوانی دیگران بحث عورت است. فمن ابتغی وراء ذلک یعنی کسی که عورتش را در غیر این دو مورد قرار می‌دهد و صیانت نمی‌کند. این دو احتمال است که بنا بر احتمال دوم ربط دارد و بنا بر احتمال اول نه.

### پنج احتمال در معنای آیه

اگر احتمال اول را هم بگیریم و بگوییم آیه می‌فرماید والذین هم لفروجهم حافظون یعنی حفظ عورات. این هم چند احتمال دارد. حفظ عورات از چه چیزی؟ چند احتمال وجود دارد:

1. حفظ عورات از نگاه دیگران و امثال آن. مثل لمس.
2. حفظ عورات از مواقعه.
3. حفظ عورات از التذاذ دیگران که کمی دایره‌اش متفاوت می‌شود.
4. همه اینها. حفظ عورات از نگاه لمس مواقعه و التذاذ.

حداقل چهار احتمال است. حال اگر این دو بحث را با هم جمع کنیم درواقع پنج احتمال می‌شود. عرض می‌کنیم والذین هم لفروجهم حافظون یا مقصود معنای ظاهری است نه کنایی این چهار احتمال می‌شود. یا از نگاه یا مواقعه یا التذاذ یا همه اینها.

سؤال: التذاذ همه آنها می‌شود

جواب: خیر زیرا ممکن است نظر باشد بدون التذاذ مثل نگاه به عورت یک حیوان

احتمال پنجم اینکه غریزه جنسی خود را صیانت می‌کند که تجلی اصلی در عورات است. اعمال غریزه جنسی نمی‌کند جز در ازواج و ایمان. این پنج احتمال می‌شود. پس در آیه دو سؤال وجود دارد. اول اینکه آیا فروج در معنای ظاهری به‌کاررفته یا در معنای کنایی استعمال شده؟ سؤال دوم اینکه برفرض که در معنای ظاهری استعمال شده باشد آیا نظر و شبیه نظر مراد است؟ یا مقصود مواقعه است همان‌طور که از روایت تفسیر علی ابن ابراهیم استفاده می‌شود؟ یا اینکه مقصود التذاذ است؟ یا اینکه مقصود مطلق این‌هاست. النظر والمواقعه و التذاذ همه اینها مشمول آیه است و اطلاق آیه همه اینها را می‌گیرد. این دو سؤال است که اگر احتمالات را جمع کنیم پنج‌تا می‌شود.

استدلال به آیه برای بحث ما متوقف بر این است که احتمال پنجم را انتخاب کنیم. بگوییم والذین هم لفروجهم حافظون یعنی غریزه جنسی خود را جز در ازواج و ملک ایمان کنترل می‌کنند و اگر کسی از اعمال غریزه جنسی در ازواج و ایمان عبور کرد و ابتغاء وراء ذلک کرد گناه‌کار است. این ابتغاء به نگاه یا لمس یا مواقعه یا قصد التذاذ می‌شود. بحث عورات هم نیست اعمال غریزه جنسی است. اما اگر احتمال پنجم را نگوییم با یک احتمال ضعیفی ممکن است به‌احتمال سه و چهار هم بشود استدلال کرد. درصورتی‌که بگوییم حفظ فروج از التذاذ هم حرام است نه صرف ‌نظر و مواقعه. در این صورت ممکن است کسی بگوید ملازمه دارد. عورات را از التذاذ دیگری حفظ بکن ملازمه دارد با عدم جواز التذاذ جنسی.

### معنای آیه طبق قواعد اصولی

حال در بررسی این احتمالات چه بگوییم؟ یک بحث در آن سؤال است که فروج معنای غیر کنایی و حقیقی خود را افاده می‌کند یا کنایی؟ طبق قواعد روشن است. باید بگوییم معنای حقیقی مراد است مگر اینکه قرینه قاطعی در کار باشد. معنای ظاهری آیه این است که عورات خود را از غیر ازواج و ملک ایمان حفظ می‌کنند. ظاهر آیه این است که حمل بر معنای کنایی قرینه قاطعی می‌خواهد که وجود ندارد. به ذهن می‌آید و گاهی هم به کار می‌رود که فروج و امثال اینها کنایه از غریزه جنسی است اما درعین‌حال معنای حقیقی هم منعی ندارد. آیه می‌فرماید فروج و عورات را صیانت می‌کند. عیبی ندارد نه اینکه اعمال غریزه جنسی مخصوص باشد. ظاهر اولیه بعید نیست اصل باشد و خروج از اصاله الحقیقه و حملش بر معنای کنایی گرچه بعید نیست ولی قرینه قاطعی می‌خواهد. پس معنای پنجم کنار می‌رود.

اما نسبت به احتمالات چهارگانه قبلی در اینجا اگر ما باشیم و آیه ممکن است کسی ادعای اطلاق کند یعنی احتمال چهارم را بگوید و بگوید والذین هم لفروجهم حافظون الا علی ازواجهم و ما ملکت ایمانهم حفظ یک متعلق می‌خواهد. حفظ می‌کنند از چه چیزی؟ تصریح نشده و اطلاق دارد. حذف متعلق دلیل بر عموم است. از نگاه لمس مواقعه و هر نوع التذاذی حفظ می‌کنند. بله انصرافی که می‌شود گفت وجود دارد یعنی حفظ از التذاذ را در اینجا بیاوریم یعنی التذاذات جنسی و امثال اینها. در حقیقت اگر ما باشیم بعید نیست بگوییم اطلاقی در آیه است. فروج را از همگان جز ازواج و ملک ایمان حفظ می‌کنند از نگاه و لمس و التذاذ و مواقعه‌ای که آثار مرتبط با فروج و عورات است. این بعید نیست بگوییم اطلاقش معنای چهارم را افاده می‌کند. این اطلاق قابل‌قبول است برخلاف اطلاقی که در **﴿یغضوا من ابصارهم﴾** می‌گفتیم. آنجا به نحوی بود که نمی‌شد اطلاق را پذیرفت. **﴿یغضوا من ابصارهم﴾** از چه کسی در کجا و چه زمانی اطلاق حداکثری را نمی‌توانستیم بپذیریم لذا حمل بر اجمال می‌کردیم اما اینجا می‌گوییم حفظ می‌کنند از مواقعه نظر التذاذ لمس و این معنا متعارف است پس اطلاق دارد. پس احتمال پنجم را کنار گذاشتیم با اصاله الحقیقه و احتمال یک و دو و سه را با اصاله الاطلاق کنار گذاشتیم. با دو قاعده معنای چهارم متعین می‌شود اصاله الحقیقه و اصاله الاطلاق. فتیعین که معنای چهارم درست است.

### اشکال اول: وجود روایت مفسره

در انتخاب احتمال چهارم دو اشکال وجود دارد.

اشکال اول اینکه علی‌رغم صناعت وقتی پیش می‌آیید به‌احتمال چهارم می‌رسید اما روایتی است که فضای تفسیر آیه را تغییر می‌دهد. حدیثی است که از تفسیر قمی نقل شده که می‌فرماید:

فَإِنَّهُ حَدَّثَنِي أَبِي عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ أَبِي عُمَيْرٍ عَنْ أَبِي بَصِيرٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ ع قَالَ‏ «كُلُّ آيَةٍ فِي الْقُرْآنِ فِي ذِكْرِ الْفُرُوجِ فَهِيَ‏ مِنَ‏ الزِّنَا- إِلَّا هَذِهِ‏ الْآيَةَ (قل للمومنین یغضوا من ابصارهم...) فَإِنَّهَا مِنَ النَّظَرِ فَلَا يَحِلُّ لِرَجُلٍ مُؤْمِنٍ أَنْ يَنْظُرَ إِلَى فَرْجِ أَخِيهِ- وَ لَا يَحِلُّ لِلْمَرْأَةِ أَنْ تَنْظُرَ إِلَى فَرْجِ أُخْتِهَا»[[2]](#footnote-2)

این عمومی دارد. همه آیاتی که در آن فروج آمده مربوط به زناست جز آیه سوره نور که قبلاً بحث کردیم. این آیه هم جزء مستثنی منه است که فهی من الزنا. پس این آیه که می‌گوید لفروجهم حافظون از چه چیز حفظ می‌کنند روایت می‌گوید از زنا حفظ می‌کند. علیرغم اطلاقی که برحسب صناعت باید بپذیریم این روایت تقیید می‌کند می‌گوید فهی من الزنا. فقط یکجا مقصود نظر است. در حقیقت این روایت هم اطلاق یغضوا من ابصارهم را محدود می‌کند و می‌گوید فقط فروج به خاطر قدر متیقن و شهادت این روایت و یکی هم التذاذ را می‌گیرد به خاطر روایت سعد اسکاف. پس روایت می‌گوید الذین هم لفروجهم حافظون عن الزنا و المواقعه. کاری به لمس و نظر و التذاذ ندارد. ممکن است زنا هم بدون التذاذ باشد. پس این آیه ضرورت حفظ عورت از زنا را می‌گوید. در حقیقت می‌گوید لایزنین.

### جواب اشکال:

جوابی که به این می‌شود این است که اولاً بحث علی ابن ابراهیم است که اشکالی در این نداریم مخصوصاً بعد علی ابن ابراهیم که سند قوی دارد. اما غیر این مورد می‌گوییم آیه می‌گوید زنا هم در این آیه مقصود است نه اینکه حصر را می‌رساند. در تقابل این دو میگ وی نظر نیست. یغضوا من ابصارهم و یحفظوا فروجهم چون یغضوا من ابصارهم و یحفظوا فروجهم آمده یحفظوا یعنی نظر. از سیاق آیه استفاده می‌شود که یحفظوا یعنی نظر اما در اینجا این‌طور سیاقی نیست که بگوید حفظ فرج از نگاه. نه اینکه حصر می‌کند و استفاده حصر از آیه نکنیم. روایت می‌گوید آیات دیگر زنا را می‌گیرد اما یغضوا من ابصارهم زنا را نمی‌گیرد. این جوابی است که ممکن است داده شود.

1. مؤمنون آیه 5 تا 7 [↑](#footnote-ref-1)
2. [تفسير القمي‏، القمي، علي بن ابراهيم، ج2، ص101.](http://lib.eshia.ir/12015/2/101/%D8%A7%D9%84%D9%92%D9%82%D9%8F%D8%B1%D9%92%D8%A2%D9%86%D9%90) [↑](#footnote-ref-2)